

مسئول کیست و مسئولیت چیست

موضوع مسئولیت یکی از فصول حقوق است. مسئولیت مدنی ریشه‌ها و سوابقی در حقوق اغلب ملل قدیم مانند حقوق روم کلاسیک و حقوق اسلامی که بنو به خود منشاء حقوق جدید است دارد.

بدون تردید مسئولیتی شبیه مسئولیت مدنی امروزه در روم قدیم وجود داشته و اغلب محققین و مؤلفین بزرگ با این عقیده موافقت ولی در اینکه آن مسئولیت کاملاً همین مسئولیت امروزی بوده تردید میشود کاملاً هم بجاست.

هر کسی مسئول خسارتی است که در نتیجه عمل یا غفلت و سهل انگاری خود یا بعبارت دیگر در اثر قصور یا تقصیر خود بدیگری وارد کند. یعنی هیچ کس نباید بدیگری خسارت وارد سازد و اگر زد باید جبران کند. بشرط اینکه، ضمن

عمل مولد خسارت مرتکب تقصیر شده باشد هر چند در قانون تقصیر را تعریف نکرده‌اند ولی همیشه عمل مثبت تولید تقصیر نمی‌کند بلکه عمل منفی و ترك عمل نیز ممکن است تقصیر شناخته شود یعنی اگر کسی از حیث وظایف و اقدامات احتیاطی محافظت و نظارت سهل‌انگاری و غفلت کرد مقصر است.

اتلاف و تسبیب تحت عنوان مسؤلیت مدنی در شغل و صنعت نیز وارد است بعضی از علماء معاصر تقصیر را برای ایجاد مسؤلیت لازم ندانسته‌اند و بعقیده آنان هر کس با ارتکاب عملی و یا امتناع و یا غفلت از انجام وظیفه و رعایت احتیاطی لازم بدیگری ضرر بزند باید آن را جبران کند.

علت پیدایش این عقیده توسعه صنایع و کارخانجات قرن اخیر است که در نتیجه آن خیلی از کارگران صدمه دیده و دچار نقص عضو میشوند و غالباً معلوم نمیشود علت حادثه غفلت و خطای کارفرما یا نقص ماشین یا تقصیر کارگر بوده است و عده زیادی از آسیب دیدگان از کار افتاده و دچار بیماریهای دائمی گردیده ناچار بودند با اقامه دعوی تقصیر صاحب کارخانه را ثابت کنند که تعلیق به محال بود و برای حل این مشکل دانشمندان حقوق تفسیراتی کرده خطر را مآخذ قرار دادند و گفتند هر کس بوسیله کار و فعالیت خود خسارتی بدیگری وارد سازد باید آن را جبران کند و همانطور که منتفع میشود متضرر هم بشود (من له الغنم فعلیه الغرم) و بدون الزام به ثبوت تقصیر کارفرما را مسئول خسارات ناشیه از حوادث کار شناخت.

با اتخاذ این رویه تقصیر را از بین نبرده بلکه در این موارد تقصیر را محرز دانسته و اثبات آن را لازم شمرده‌اند. بعبارت دیگر باید گفت اصل خطر را يك نوع تخصیص اصل علیت شناخته‌اند که هر کس صدمه‌ای بدیگری زد ملزم به جبران باشد.

طرفداران این عقیده میگویند این اصل بیشتر از اصل لزوم اثبات تقصیر با انصاف و عدالت موافق است زیرا این اصل صدماتی را که با آسیب دیده وارد

شده تخفیف داده و بطور قطع و مسلم خسارت را جبران و زیان دیده را تسلیت میدهد در صورتیکه با اصل لزوم تقصیر و اشکال اثبات آن ممکن است خسارات وارده جبران شود.

عده دیگر می‌گویند اگر آسیب دیده قابل ترحم است عاملی هم که هیچ تقصیری در حادثه نداشته قابل ترحم است. و نباید جبران خسارتی باو تحمیل شود که نه پیش‌بینی کرده و نه تقصیری در وقوع آن داشته است و این اصل به حس ابتکار و فعالیت اقتصادی مؤسسات صنعتی لطمه میزند.

مسئولیت مدنی در شغل و صنعت ایجاب میکند که هر کس بکاری اشتغال ورزد حتماً اطلاعات علمی و عملی لازم برای آن کار را فرا گرفته باشد و در حسن انجام آن دقت و احتیاط و رعایت مقررات را بکند.

در بعضی مشاغل داشتن دانشنامه یا پذیرش مراجع رسمی دولتی شرط است و در برخی اعطای گواهی نامه دولتی دلالت بر صحت و قابلیت شاغل دارد مثلاً در رانندگی گواهی نامه اداره راهنمایی و رانندگی دلیل صلاحیت است ولی هیچ مانعی ندارد که در محاکمه‌ای در این صلاحیت تردید شود و با تجدید آزمایش عدم کفایت و لیاقت راننده ثابت گردد و مسئول صدور گواهی نامه بعنوان تسبیب تعقیب گردد و غرامت بدهد.

کارمندی که بامر یا توصیه مقامات مافوق برخلاف قانون عملی انجام دهد بطور کلی از مسئولیت کیفری و مدنی بری نیست ولی از لحاظ لزوم انضباط در کارهای اداری مخصوصاً در مشاغل نظامی و انتظامی که بامر افسران مافوق عملی خلاف قانون صورت گیرد و مرتکب در مخالف قانون بودن عمل خود قطع و یقین نداشته باشد ممکن است غیر مسئول شناخته شود.

امر پدر و مادر و شوهر در انجام يك عمل خلاف قانون با وجود سلطه و اقتدار این اشخاص نسبت باولاد و زن رافع مسئولیت نیست مگر در مواردی که

ثابت شود که الزام بانجام عمل خلاف قانون بسا اصرار و اجبار و فشار و تهدید توأم بوده یا در مواردی که بدون سوء قصد بوده باشد.

در مورد دفاع از نفس در صورتیکه هنگام حمله و تجاوز مجال مدافعه قانونی و شکایت بمقامات صالحه نباشد و دفاع متناسب بسا حمله و خطر باشد و از دفاع از نفس یا مال بکسی زبانی زده شود مدافع از لحاظ مدنی و کیفری مسئول نیست. در فقه اسلامی که اساس و منشاء قسمت اعظم حقوق مدنی ایران است مسئولیت مدنی ناشی از بزه سابقه دارد و نسبت به حقوق روم جدیدتر و مترقی تر است:

کتابخانه مدرسه بهجتی

موضوع مسئولیت مدنی در کتاب قصاص و دیات تحت عنوان مشهور «دیه با عاقله است» طرح شده. عاقله از عقل است و عقل در لغت معانی مشهور متعدد مانند فهم، تصور، منع و بستن دارد و بمناسبت معنی اخیر الذکر (بستن) بهزانوبند شتر عقال میگویند و اطلاق استعمال کلمه عقل در این مورد از این لحاظ است که دیه زبان صاحب خون (ولی دم) یا بعبارت دیگر بستگان مقتول رامی بندد و یا بلحاظ اینکه در اقوام مسلمین عرب شترهای دیه را میاوردند جلوی منزل مقتول عقال میگردند یعنی می بستند و مقصود از عاقله بستگان پدری قاتل بوده که ادای دیه قتل خطا و غیر عمد بر عهده آنها بود.

ظاهر آ اطلاق لفظ عاقله بر امام (ع) نیز باید بهمین مناسبت باشد.

غرض از عبارت دیه بر عاقله این است که اگر مسلم آزادی مرتکب جنایت و جنحه خونی غیر عمد (خطای محض) میشد بدون اختصاص و انتقام دیه را عاقله او (یعنی مسئولین مدنی) می پرداختند هم چنین درباره دیه ناشی از جنحه و جنایات صغار و مجانین اعم از عمد و شبیه عمد و خطای محض جاری میشد.

امروز پدر، آموزگار، دبیر و کارفرما هرگاه مرتکب غفلت و مسامحه و بی-احتیاطی شوند یعنی در تعلیم و تربیت و نگهداری و هدایت طفل و دانش آموز یا

کارمند و کارگر دقت و مراقبت لازم را نکرده سبب زیان شوند مسئولیت مدنی دارند.

بشرحیکه گفته شد فقط عمل مثبت همیشه تولید تقصیر نمی کند بلکه عمل منفی یعنی ترك عمل نیز تقصیر شناخته میشود. اگر کسی باقتضای ارجاع کار و شغلی عقلا و عرفاً باید برای جلوگیری از وقوع حادثه و احتراز آسیب و زیان اقدامی و احتیاطی کند یا اسباب و ابزار و وسیله ای بکار برد یا در اختیار کارمند و کارگر بگذارد و امتناع یا غفلت و یا امساک کرده باشد و در نتیجه بکارمند یا اشخاص ثالث صدمه و آسیب یا خسارتی متوجه شود مسئول است. **کتابخانه مدرسه فیثاق**
مثلاً اگر کارفرما مقنی را با طناب ناتوان یا پوسیده به چاه بفرستد یا مقنی کارگر را با وسایل غیر کافی بدون لوله هوا و طناب محکم به چاه بفرستد و کارفرما سکوت کند و احتیاط و مراقبت لازم در کار مقنی و کارگران و رسیدگی بسبب کار و وسایل احتیاطی آنان نکند در مسئولیت شرکت دارد.

اگر براساس عقل و عرف در چهارراه چراغ راهنمایی لازم است شهرداری نباید بدون چراغ معبر را افتتاح کند و الا خسارات، ناشیه از بی چراغی بهمهده شهرداری و شهربانی خواهد بود که در انجام وظیفه تأخیر یا مسامحه کرده باشند.

این مالیات و عوارضی که ملت می پردازد عبارت از يك سهمی است که هرکس از عایدی و دارائی خود میدهد تا بقیه دارائی او یا بعبارت دیگر جان و مالش در امان باشد و برای اینکه از بقیه دارائی خود بطور مطبوع برخوردار گردد. دولت و شهرداری در مقامات و اوضاع و احوال مختلف وظایفی را قبول کرده و بر عهده دارند که غفلت در اجرای هر يك موجب مسئولیت است.

هر يك از این مقامات که مردم را بوجود خود مغرور کرده نظارت یا مباشرت برامری را پذیرفته باشند اگر مرتکب سهل انگاری یا قصور و تقصیری شوند که در نتیجه آن زیانی به جان یا مال یا حیثیت افراد وارد گردد بعنوان تسبیب قابل تعقیب

و بازخواست خواهند بود.

مناسفانه مبحث تسبیب پیوسته پیش می‌آید ولی بعلمت عدم آشنائی افراد به حقوق و حدود قانونی و یا مضیقه مالی و گرفتاریهای تلاش معاش و یأس از نتیجه‌گیری در مقام احقاق بر نمی‌آیند.

وقتی کسی با علم به خرابی دیوار خود آن را تعمیر نکند و دیوار خراب شده و اسب یا الاغ یا اتوموبیل همسایه زیر آوار بماند، صاحب دیوار بعنوان مسبب مشمول و قابل تعقیب است.

در مورد تصادفات وسائط نقلیه مسئولیت متوجه طرفی است که مسامحه یا تقصیر کرده باشد و اگر طرفین قصور یا خلافی کرده باشند هر دو مشمول خواهند بود.

در دو واقعه اخیر که بر اثر غفلت و مسامحه مدیره کود کستان مشهد فرزندش با تفنگ ساچمه‌ای یک چشم کودکی را نابینا کرده مدیره مشمول تسبیب است و اگر واجد صلاحیت نبوده مسئول‌گزینش و تجویز مدیره باوی در مسئولیت تسبیب شریک شناخته میشود و در مورد منیژه مولائی که بحکایت اخبار جرائد بر اثر نقص فنی ساختمان زیر آوار رفته‌واز، فرورفتن اطاق صدمه دیده و خسارات مالی به پدرش که خانه را از سازنده حرفه‌ای خریده بود متوجه شده است فروشنده اگر در ساختن و فروختن غش و تدلیس داشته و مهندسی که برای تحصیل جواز عهده‌دار نظارت بوده مشترکاً و منفرداً مسئولیت مدنی دارند. و در صورتی که در تصویب نقشه از لحاظ مقاومت مصالح و غفلت در چگونگی اساس ساختمان شهرداری مسامحه کرده باشد مشمولان صدور جواز نیز در مسئولیت مدنی سهیم اند ولی معلوم نیست که کار این حادثه بکجا کشید و چگونه این وقایع تکرار میشود و پیوسته چراغ خاموش است و آسیاب می‌گردد.

این مردمی که مؤدیان واقعی عوارض هستند در واقع خود را به نفع شهر و

بمنفع اجتماع محدود می کنند یعنی از پولیکه باید خرج لباس و غذا و کتاب و مکتب طفل خود کنند بامید اینکه شهرداری شهر را بهتر میکند، تسطیح میکند، روشن میکند، مشروب می کند، بشهرداری میدهند ولی وقتیکه دیدند طبقه قوی و آنهاییکه عوارض نمیدهند یا بارعایت نسبت کمتر میدهند از این پول استفاده می کنند و مودی واقعی محروم است ناراضی و ناراحت میشوند.

وقتی در هر ناحیه کوچه يك متفنن و مقابل خانه يك صاحب قدرت زودتر تسطیح و قیر ریزی میشود و خانه و معبر کسیکه بسهولة و سادگی عوارض پرداخته است مهجور و محروم باشد ناراضی است و این عدم رضایت همان عقده ایست که برای شگفتنش درخت رامی کند و کثافت را در معابر می ریزد و صندلی اتوبوس را با تیغ پاره می کنند.

آنجا که افراد وقتی يك قطعه کاغذ در خیابان می بینند برمی دارند و مدتی راه می روند تا در صندوق شهرداری بیندازند شهر را خانه خود میدانند و تمام شهر را مانند مسکن اصلی خود تلقی می کنند.

تا عوارض و مالیات معقول و معتدل و منطقی و متناسب نباشد و تا هر مؤدی معتقد نشود که از آنچه میدهد خودش هم منتفع میگردد بسهولة وصول نمیشود و نتیجه مطلوب نمیدهد علت اینکه مردم با رغبت برای بنای مسجد اعظم قم آن همه پول دادند این بود که همه معتقد و مطمئن بودند که بمصرف معهود میرسد و دلیل اینکه طوعاً و بامیل و رغبت عوارض شهرداری را نمی پردازند این است که چگونگی مصرف را با توقعات و انتظارات خویش سازگار نمی دانند.

هم اکنون کسانی که بعلت نارسائی شهرداری در این نیازمندیهای شهری و امتناع از صدور جواز ساختمان و غیره نمی توانند از زمین خود استفاده کنند و ناچارند عوارض بپردازند در واقع بجای اینکه از شهرداری بعنوان تسبیب خسارت بگیرند نه تنها سرمایه را عقیم گذاشته اند بلکه يك چیزی هم دستی میدهند و این

خود اثر روحی میگذارد و موجب طفره و دفع الوقت و مقاومت منفی میگردد و همین، باعث شده است که شهرداری برای وصول تشکیلاتی عمریض و طویل و سازمانی بسیط جسیم داشته باشد و مقداری وقت خود و مردم را بهدر بدهد و در ایامی که سخن از صرفه جوئی عمومی میرود اوقات عمومی را که سرمایه کشور و موثر در اقتصاد ملی است تلف کند مع الوصف وصول بعهدہ دفاتر گذاشته شود. وظیفه نواحی شهرداری منحصر بساین نیست که قبض صادر کنند و پول بگیرند یا جواز بدهند و کنار بکشند بلکه باید احتیاجات آنها را در حدود تکالیف قانونی شهرداری تأمین و از مزاحمت سد معبر و آلوده کردن معابر جلوگیری کند با این پول گزافی که شهرداری میگیرد، هیچ کس انتظار ندارد که در مرکز شهر و در خیابان لاله زار در منطقه ای که مرکز مسافر خانه، مسکن سیاحان و معبر دادو ستد صنایع ایران است و مبدأ کوچها از قبیل کوی کاخ و غیره بوی عفونت ادرار مردم را بیازارد.

این نکبت و کثافتی که در اغلب نقاط شهر می بینیم ناشی از غفلت و بی-اعتنائی مأموران مسئول است که از یکطرف هنگام صدور جواز مالکین ساختمانها و پاساژهای بزرگ را ملزم به تأمین احتیاجات مستأجرین نکرده اند و در بعضی از این اماکن دسترسی بمستراح کمتر از پیدا کردن تا کسی خالی نیست ثانیاً به نسبت مسافت و عبور و مرور و جمعیت نیازمندی خیابانها رعایت و تأمین نشده ثالثاً تا این حد هم توجه نمیشود که روزانه یا اقل هفتگی این نقاط را بشویند و ضد عفونی کنند. وضعیت هر بخش مانند میزان الحرارة کیفیت کار و فعالیت و قیافه متصدیان منطقه را مجسم میکند وقتی یکطرف چمن بکارند و طرف دیگر آلودگی و عفونت مردم را خفه کند مثل این است که کسی هرگز حمام نرود و تطهیر نکند ولی مبلغ معتنا بهی خرج عطر و ادکلن داشته باشد.

بدون شك شهردار پایتخت، باید به مهمام امور بپردازد و اجرای این وظائف حداقل کاریست که مسئولان نواحی برعهده دارند، ولی افسوس.